

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با محمد کاشی‌زاده درباره پدیده اربعین

از اربعین می‌توانیم به الهیات مقاومت برسیم



علی عسگری

خبرنگار

هر سال شاهد هستیم که خیل عظیمی از مردم در پدیده‌ای به نام اربعین گرد هم می‌آیند و اتفاقی منحصربه‌فرد را رقم می‌زنند. اما سوال این است که اربعین فارغ از کارکردهای جمعی که دارد، باید چه آثار تربیتی را بر فرد فرد جامعه دینی بر جای بگذارد و انتظار ما از این حرکت چیست؟ با حجت‌الاسلام محمد کاشی‌زاده عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در این باره به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

۱۱۱

برای شروع بحث بفرمایید اثر تربیتی اربعین بر افراد چیست و می‌تواند در جامعه ما چه تاثیری بر جای بگذارد؟

فضای اربعین فضایی است که اگر یک فرد را بدون هیچ ذهنیت قبلی وارد فضای اربعین کنیم، بدون اینکه برایش توضیح داده باشیم خواص اربعین چیست؟ خود به خود در محیط تربیتی قرار می‌گیرد. این نکته اربعین بسیار زیبا است که یک انسان کاملاً غافل وقتی در یک فضای اربعین پیاده‌روی می‌کند، ایثار، همدلی، برادری و جمعیتی جمعی -که یک هویت واحد دارد- همه اینها را در این مسیر در میان یک محیط تربیتی درک می‌کند. یکی از قوی‌ترین محیط‌های تربیت دینی مکان‌هایی است که مراسم دسته‌جمعی گرفته می‌شود مانند هیئات. اربعین یک هیاتی به طول ۸۰ کیلومتر با ضریب انسان‌هایی است که این جاده را طی می‌کنند و شخص چند شبانه روز در یک هیاتانی مستمر زندگی می‌کند. هیأت صرفاً به معنای روضه خواندن نیست. آن تجمیع قلوب و تائیس انسان‌های دین‌داری است که با همدیگر همگرا می‌شوند. به همین خاطر هیأت یکی از مهم‌ترین پایه‌های تمدنی شیعه است. نقش هیأت بسیار مهم است. حتی هیأت‌های خانگی با جمعیت‌های نه‌چندان زیاد، همین‌ها هم پایه تمدنی هستند چون جامعه‌سازی می‌کنند. جامعه‌ای بر مبنای ولایت و به هم پیوستگی ایمانی شکل می‌دهند. اینها محیط‌های تربیت‌کننده هستند اینها محیط‌هایی هستند که برای تربیت طراحی شده‌اند. حتی ناخودآگاه‌ترین افراد هم در محیطی که این ویژگی‌ها را دارد متحول می‌شوند.

اربعین یک طراحی بسیار قوی ایمانی و قوی‌ترین و موثرترین محیطی است که می‌تواند یک فرد را به لحاظ ایمانی رشد بدهد. من نمی‌خواهم بقیه فضاها را نفی کنم اما این هویت جمعی بسیار قوی فضای اربعین و نمودها و جلوه‌های ایمانی که رخ می‌دهد بسیار آخرالزمانی و رشددهنده‌ای بسیار قوی هستند.

تاکید بر حرکت جمعی در این مسیر بر چه اساس است؟ این حرکت جمعی قرار است چه آثاری داشته باشد؟

یک بخش دیگر رابطه با امروز است. نکته‌ای که عرض می‌کنم بسیار مهم است. انسان یک موجود مختار است. نمی‌توانیم هیچ کس را مجبور به هیچ کاری کنیم این اختیار وجود دارد و باید ببینیم خودش آن را در چه زمینه‌ای مصرف می‌کند. یعنی از اختیار خودش به کجا می‌رسد؟! آن محیطی که طراحی شده است برای این است که انسان رشد کند. به‌عنوان مثال اگر کسی که در فضای فردیت رشد کرده باشد یعنی آن هویت وجودی‌اش یک هویت فردی و اصالت منافع باشد، اگر اموالی به دستش برسد علی‌القاعده باید احتکار کند چون منافعش بیشتر است و هرقدر با احتکار می‌تواند قیمت‌ها را بالا ببرد به نفع خودش است. فردی که احتکار می‌کند یک هویت کاملاً فردی برای خودش دارد اما همین انسان اگر آن روحیه و هویت جمعی را داشت، این فرد یک سال سرمایه‌اش را پس انداز می‌کرد که در خدمت زائران اربعین قرار بدهد. هیچ کدام از این دو نفر مجبور نیستند، هر دو اختیاری کار می‌کنند. این ثمره نظام تربیتی است. در موضوع وضعیت امروز، از ابتدای تاریخ دین، تا به امروز

که نفس می‌کشیم و زندگی می‌کنیم، شاید طلایی‌ترین دوره دین، امروز باشد. اگر به بیانیه‌های گام دوم مراجعه کنیم مقام‌معلم‌رهبری یک تعبیر بسیار دقیقی در این فضا دارند. می‌گویند زمانی که جمهوری اسلامی پیروز شد جهان دوقطبی بود. قطب شرق و قطب غرب بود. پیروزی انقلاب اسلامی، جهان را تبدیل به جهان سه‌قطبی کرد. در دوره‌ای دین به عرصه اجتماع آمد که هیچ محاسبه‌ای برای دین نمی‌شد و دین را یک موضوع تاریخی از بین رفته می‌دانستند. سکولاریسم حاکم بر کل جهان بود. فقط در حوزه‌های کاملاً فردی، دین وجود داشت. امام‌خمینی(ره) دین را به عرصه اجتماع آورد به نحوی که به شرق و غرب طعنه می‌زدند. این تعبیر از بیانیه گام دوم است. لذا با انقلاب اسلامی دین احیا شد. حتی ادیان غیر از اسلام به واسطه این حرکت انقلاب اسلامی قوت گرفتند. توانستند حرف بزنند. این تحلیلی است که بسیاری از تحلیلگران دینی به آن اذعان دارند. متدینین روی زمین تمکن و قدرت پیدا کردند. با استبداد داخلی حکومت شاهنشاهی پهلوی مقابله کردند و آن رژیم را شکست دادند. جلوی طاغوت جهانی هم ایستادند. بعد از جنگ جهانی دوم هیچ کشوری با نظامی که به‌عنوان یک نیروی جهانی است، مقابله نکرده بود. اما ایران با آن تقابل مستقیم داشت و بسیار جدی بود. بعد از ایران بسیاری از کشورها توانستند جلوی آمریکا بایستند.

جمهوری اسلامی ایران شجره طیبیه‌ای بود که در جامعه ایران شکل گرفت اما ما نگاه به امت اسلامی داریم این حرکت اربعینی که در حال حاضر شکل گرفته یک ورود بسیار جدی به همگرایی در سطح امت‌های اسلام است. یعنی نگاه به فراتر از خط‌مرزهای سیاسی ملی است. نگاهی به امت داشتن جمع کردن امت اسلام زیر یک پرچم است. شعار حب‌الحسین یجمعنا در اربعین سال‌های گذشته سر داده شد. این شعار بسیار مهمی بود. ما شاهد تقابل ملی ایران با عراق و کشورهای دیگر نیستیم و اربعین همه را دور هم جمع می‌کند.

از نظر شما پیروزی انقلاب اسلامی در شکل‌گیری حرکتی که در اربعین انجام می‌شود چه نقشی داشت؟

کل حرکت جمهوری اسلامی براساس تأکید امام خمینی این است که قوام حرکت انقلابی به عاشورا و تاسوعا است. بعضی‌ها نگاه بسیار ملی و ناسیونالیستی دارند، این حرکت البته مذموم است و جهت‌گیری انقلابی نیست. سرداران شهید مانند حاج قاسم، نماد امت بودن جامعه دینی هستند. ما نظام اسلامی و دینی هستیم و در قانون اساسی هم

به امت نگاه‌شده است و فقط ملیت در نظر گرفته نشده است. کجا می‌توانیم روی امت تکیه کنیم؟ فقط اربعین نیست ولی اربعین یکی از نمودهای بسیار قوی همگرایی امت است. انسان‌هایی از اقلیت‌های مختلف رنگ‌های مختلف نژادهای مختلف خودشان را در کاروان امت اسلامی می‌بینند و اتفاقاً آن شخصی که محور همه این کاروان است اباعبدالله الحسین است. حضرت با یک نگاه اصلاحی قیام خودشان را شروع کرده بود و هر کسی که قدم در این کاروان می‌گذارد، خونخواه اباعبدالله الحسین است که برای اصلاح امت قیام کرد. افرادی که در این کاروان حرکت می‌کنند قاعدتا باید یک هویت پیرو اباعبدالله الحسین در اینها شکل بگیرد. لذا نگاه باید معطوف به امت اسلامی و اصلاح‌گری در این امت باشد. نکته دیگر اینکه از اربعین می‌توانیم به الهیات مقاومت برسیم منظورم از الهیات مقاومت چیست؟ آن فضایی که فرد از درون، آزادی، انسانیت و جمع‌گرایی، هویت اسلامی را دارد و مبارزه با ظلم را تجربه می‌کند و در خود نهادینه می‌کند و هویت وجودی‌اش می‌شود. فضای حرکتی که در حال سیر کردن به سمت خدا آن مسیر اباعبدالله الحسین علیه السلام است، اگر با الهیات مقاومت نگاه کنیم حتی امت‌های غیر اسلامی و افراد غیر مسلمان را زیر پرچم الهیات مقاومت با شعارهای انسانی اباعبدالله می‌توان جمع کرد که اگر مسلمان نیستید آزاد باشید و در مقابل ظلم بایستید و این بسیار به آن حرکت جهانی حضرت حجت سلام‌الله‌علیه معطوف می‌شود که حکومت واحد را در تمام جهان شکل می‌دهد و حتی از ادیان مختلف به حضرت پیوند می‌خورند. چرا؟ چون می‌خواهند ظلم‌ستیزی، عدالت‌طلبی و تقابل با طاغوت را تجربه کنند. این یک نگاه جمع‌گرایانه بین همه امت‌های آزاد و با ادبیات دیگر امت‌های ذیل پرچم‌های مقاومت است.

موضوعی که لازم بود به آن بپردازیم دلالت‌هایی بود که اربعین برای شناخت جامعه ایرانی دارد. یک موضوع دیگر در مورد میزان دینداری جامعه بود. احساس من بر این بود که در جامعه اربعین لایه‌ای از هویت در حال بروز است که ورای هویت‌های ملی و مدرن است. به‌صورت خاص این پرسش مطرح است که دلالت‌های اربعین برای شناخت جامعه چه چیزی است؟

اگر من بخواهم نسبت اربعین را با جامعه ایران تبیین کنم می‌خواهم به این موضوع اشاره کنم که جامعه ایرانی بعد از انقلاب اسلامی به سمتی پیش می‌رود و هر روز هم کامل‌تر می‌شود که ملاک‌هایش را از ملیت به امت تغییر می‌دهد.



ظهور این نگاه را در جاهای مختلف می‌توانید ببینید. مایک جنگ تحمیلی هشت ساله با عراق داشتیم ایران و عراق دو ملت بودند که هشت سال با یکدیگر جنگیدند. این جنگی نبود که بعد از ۲۰ سال فراموشش کنیم. هنوز شهید گمنام می‌آورند. افرادی از آن جنگ داریم که جانباز هستند. فرزند شهید داریم، نسل عوض نشده که فراموش کرده باشیم. اما می‌بینیم تا این اندازه همگرایی با ملت عراق پیدا می‌کنیم. این یک نمودی از رشد یک جامعه است که هویتش را اصالتاً اسلام تشکیل داده است و مناسبات تعاملی‌اش را بر پایه دینی تنظیم می‌کند. حضرت علی می‌فرمایند کار پیامبران برداشتن زنجیرها از پای افراد است. یکی از این غل و زنجیرها طاوغتی هستند که بر مردم حاکم می‌شوند. یعنی یک طاوغتی مثل صدام ممکن است ملت خودش را به جنگ با ملت دیگر مجبور کند. منظور از جامعه ایرانی نه‌فقط یک رهبر، یک رئیس‌جمهور، یک رده تصمیم‌گیرنده است، خیر، کل جامعه ایرانی در تعامل با غیر خودشان اینقدر بالا رفته‌اند که آن بغض‌های فروخته‌ای که در جنگ با ملت عراق داشتند اصلاً در حرکت اربعین ظهور ندارد و اینها را برادر دینی خود و تحت حاکمیت دینی خودشان می‌بینند که با طاوغت می‌جنگند. اصالتاً برادر دینی با برادر دینی جنگ ندارد. اگر هم طاوغتی جنگی را راه انداخته باشد اینقدر فهم در جامعه ایرانی شکل گرفته است و جامعه‌ای آخرالزمانی داریم که بعدهای شخصی‌شان بر رفتارهایشان غالب نمی‌شود. این نکته‌ای است درمورد نسبت جامعه ایرانی با اربعین است و این حضور ایرانی‌ها با این روحیه، اربعین را پررنگ‌تر می‌کند. نمی‌خواهم بگویم عراق در اربعین سهمی ندارد ولی ورود به این فضا با این نگاه بسیار پررنگ‌تر است به‌خصوص ایران که دین را به عرصه اجتماع آورده است. در حال حاضر حرکت اربعین نماد حرکت جمعی است و این بسیار مهم است. این که فرمودید آیامی‌شود اربعین را نماد دینداری گرفت آیامی‌توان کثرت جمعیت را در اربعین یا اعتکاف‌ها یا نمازجمعه‌ها یا مساجد و نماد دینداری بگیریم؟ باید گفت پایه تمدن اسلامی به‌خصوص شیعی، ارتباط ولایی است که در هیأت‌ها و در فضاهای ایمانی تبلور پیدا می‌کند. اعتکاف یک نماد است، نماز جماعت یک نماد است، هیأت‌ها و اربعین نماد هستند. اگر بخواهیم دینی بودن جامعه خودمان را با گذشته‌مان مقایسه کنیم باید مقداری نگاه‌مان در بستر جامعه واقعی‌تر باشد.

گاهی مقایسه‌های بسیار ساده و خام اندیشه‌انای صورت می‌گیرد که نگاه کاملاً رونیایی می‌کنند و شرایط را لحاظ نمی‌کنند و این باعث فریب خوردن افراد در تحلیل کردن وضعیت‌ها می‌شود.